



شکل‌گیری تکوین تعاملی دین و هویت در اندیشه اندیشمندان مسلمان با تاکید بر اندیشه امام خمینی (ره)

سید احمد حسینی^۱، عباس صالحی نجف‌آبادی^۲، علیرضا رضایی^۳

چکیده:

رهیافت گفتمانی، رابطه دین و هویت در اندیشه امام خمینی (ره) را بهتر از رهیافت دیگر تبیین می‌کنند؛ در حالی که این قابلیت، کمتر به آن پرداخته شده است. با توجه به قابلیت ذکر شده، هدف از این پژوهش درصدد به کارگیری رهیافت گفتمان برای تبیین رابطه دین و هویت در اندیشه امام خمینی (ره) می‌باشد. به همین منظور برای انجام این پژوهش، به بررسی مبانی و مولفه‌های رهیافت گفتمانی - با نگاه انتقاد به بینش‌های کلی در خصوص علوم انسانی و اجتماعی - از طریق بررسی منابع مختلف پرداخته و سپس رابطه دین و هویت را در اندیشه امام خمینی (ره) براساس روابط درون و بین گفتمانی مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که تکوین اندیشه امام (ره) نتیجه تعامل هویت و دین در گفتمان بازگشت به خویش‌شن و در رویارویی با گفتمان غرب‌گرا بود. بنابراین، امام خمینی (ره) با نقش‌آفرینی عملی و فکری خویش از طریق گفتمان بازگشت به خویش‌شن و نیز رویارویی سیاسی - اجتماعی با حکومت غرب‌گرای پهلوی در تکوین گفتمان بازگشت به خویش‌شن توانست انقلاب و جمهوری اسلامی را رقم زند.

واژه‌گان کلیدی: گفتمان، غرب‌زدگی، بازگشت به خویش‌شن، امام خمینی (ره)، دین،

هویت

^۱ - دانشجوی دکتری، تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، ایران.

^۲ - استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. Asalehi1397@gmail.com

^۳ - دانشیار روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.



۱- مقدمه

هویت بخشی در دین و مذهب در این مقاله به جای هم بکار برده می‌شوند. علاوه بر آن هویت جمعی ایرانیان را تشکیل می‌دهد زیرا به دلایل متعدد تاریخی مذهب، معنویت، تدین و وحدانیت و خداگرایی جزء ذاتی هویت ایران و ایرانیان در کشور محسوب می‌شوند. همچنین فرهنگ و نماد دین در فرهنگ ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشته و جامعه ایرانی شباهت زیادی از این نظر با دیگر جوامع دارد. این نکته لازم به یادآوری است که منظور از ترکیب هویت دین این است که این هویت از دین منشاء می‌گیرد و در واقع به تبع دین، خود را تعریف و مشخص می‌کند (منصورنژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۵). در این مقاله شکل‌گیری تکوین تعاملی دین و هویت در اندیشه اندیشمندان مسلمان به ویژه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در میان رویکردهایی که در زمینه دین‌شناسی مورد توجه صاحب‌نظران غربی بوده است، روان‌شناسی دین غالباً به مطالعه آرا و عقاید دینی در راستای ساختار شخصیت فرد می‌پردازد این در حالی است که، جامعه‌شناسی دین عملکردهای دین و ارتباط تعاملی دین را با سایر مؤسسات و نهادهای اجتماعی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد.

۲- پیشینه تحقیق

در تحقیق در خصوص، آثار هویت‌شناسانه اعمال دینی و باورداشت‌ها به قدمت بحث از خود دین برمی‌گردد.

یکی از صاحب‌نظران قرن ۱۶ میلادی "ماکیاولی" است که در خطابه‌ها و گفتارهای خود به تحلیل عملکرد مسیحیت می‌پردازد و به تاثیر قابل ملاحظه‌ای که این دین در عرصه زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم داشته اشاره دارد (رهبری، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵). علاوه بر آن، محققانی و پژوهشگرانی همچون مونتسکیو، اسپینوزا، کامت و روسو به تحلیل و بررسی اهمیت نقش سیاسی تعهد دینی و مسائل مربوط به تاثیر دین بر هویت اجتماعی و اخلاق شخصی پرداختند (رهبری، ۱۳۸۹).

به نظر می‌رسد "ماکس وبر" از معدود افرادی باشد که بیش از هر فرد دیگری بر ارتباط تعاملی جامعه و دین تاکید کرده است. از همه بیشتر روش او پیرامون تاثیر سیستم اخلاقی پروتستانت بر ظهور و پیدایش جامعه مدرن چنین ارتباطی را روشن می‌کند (ریترز، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴_۱۵۸). از طرف دیگر علی رغم مطالعاتی که در جهان اسلام و غرب پیرامون دین و تاثیر عنصر دینی در ساختار زندگی فردی و اجتماعی و نقش هویت‌سازی آن به عمل آمده است، هنوز

جای بحث جامع در این ارتباط خالی به نظر می‌رسد. نظری اجمالی به تحلیل زبان دین کافی است تا ما را متوجه حضور و نفوذ عناصری از دین در عرصه هویت فردی و اجتماعی گرداند. اعمال و آیین و گفتار مذهبی هر کدام زبان خاص را دارد و بر حسب مفاهیم و برداشت‌های ویژه‌ای مورد التفات پیروان متعهد و معتقد به یک مذهب قرار می‌گیرد. از آن فراتر، حتی افرادی که چندان اعتقاد و التزامی به مضامین و اعمال دینی از خود نشان نمی‌دهند، باز هم از کاربرد فراوان زبان دین توسط اهل دین تاثیر می‌پذیرند.

۳- مفاهیم و بررسی منابع

۳-۱- هویت

الف) مفهوم هویت: در فرهنگ معین آمده است که هویت یعنی ذات باری تعالی، هستی، وجود، آنچه موجب شناسایی شخص باشد (معین، ۱۳۷۸، ص ۵۲۲۸).
در فرهنگ عمید چنین تعریف شده است که هویت یعنی حقیقت شی یا شخصی که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی، وجود و منسوب به هو می‌باشد (عمید، ۱۳۷۴، ص ۱۲۶۵).

بنابراین هویت عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها، شناسه‌ها و الگوهای رفتاری اکتسابی که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر اقوام، ملل و تمدن‌ها متمایز می‌سازد.

ب: سابقه پیدایش هویت: مسأله هویت بطور عام یک مفهوم فراگیر است که عمر آن برابر با عمر بشریت و تمدن او است. در این معنا زمانی که اولین گروه‌های انسانی به دور یک محور متشکل از مجموع عناصر و مؤلفه‌هایی چون قومیت، نژاد، زبان و دین گرد آمدند، صاحب هویتی شدند که با افراد دیگری در جغرافیایی دیگر متفاوت بود (میرمحمدی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۱).

بر خلاف دیدگاه ساختارگرایانی که می‌کوشند هویت را امری طبیعی و ثابت نشان دهند، باید گفت که هویت امری تاریخی و محتمل می‌باشد. این پدیده همانند بسیاری از چیزهای دیگر، محصول «زمان و تصادف» است و توسط منطق یا اصلی فرا تاریخی تعیین نمی‌شود (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵).

ج: عناصر سازنده ی هویت: مسأله هویت مسأله پیچیده‌ای است؛ نخست به این دلیل که موضوعی کاملاً شخصی بوده و شاید بتوان گفت شخصی‌ترین موضوع برای هر فرد، هویت او می‌باشد. از طرف دیگر ما می‌بینیم که منابع اجتماعی و عناصر و عوامل فوق فردی هم در تشکیل هویت بسیار مهم هستند.



این عوامل به طور کلی شامل: ۱- جهان‌بینی ۲- دین ۳- فرهنگ می‌باشد (میرمحمدی، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

در این گفتار به طور آخص به عامل دین به عنوان یکی از مهمترین عوامل هویت‌ساز خواهیم پرداخت.

۲-۳- ورود اسلام و تکوین هویت دینی اسلامی

اسلام آخرین دین ابراهیمی است که وارد ایران شد و تشابهات زیادی با سایر ادیان ایران از جمله زرتشت، مسیحیت و یهودی داشت. از جمله ویژگی‌های مشترک آنها می‌توان یکتایی خداوند، زندگی اخروی، آفرینش انسان توسط خداوند، شیطان، معاد و روز داوری، رستاخیز جسمی بوده است (ثلاثی، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶). ایرانیان برای نخستین بار در زمان حیات پیامبر در یمن با دین اسلام و مفاهیم و اندیشه‌های آن آشنا شدند (همان: ص ۳۴۸) و تبادلات ایرانیان با اعراب موجب پذیرش سهل‌تر اسلام توسط ایرانیان شد. در واقع حمله عرب‌های مسلمان به ایران نقطه پایان مقاومت تاریخی ایران در برابر ادیان غیرایرانی بود (بکایی، ۱۳۸۵، ص ۹). در حقیقت تصمیم جمعی ایرانیان در قبول دین اسلام، به نظر بسیاری از مورخین، شگفت‌انگیز است و آن را به عللی مثل جان ترسی و مصلحت‌اندیشی ایرانیان، حقانیت رسالت پیامبر اسلام و بطلان آموزه‌های زرتشت و در نهایت همشکلی و هماهنگی بستر فرهنگی ایران (یا همان روح و ذات ایرانی)، با مفاهیم فرهنگی اسلام می‌باشد (همان). با خروج اعراب از ایران و کاسته شدن قدرت اعراب، ایرانیان - برخلاف اسپانیا، شمال آفریقا و سیسیل - مسلمان ماندند (بکایی، همان). نکته و مثال دیگر آنکه برحسب اطلاعات تاریخی به ویژه تاریخ کمبریج (جلد ۴) اسلام آوردن ایرانیان روندی تدریجی داشت و از شهرها شروع شد و چندین سده طول کشید تا اکثریت اقوام ایران مسلمان شدند (تاریخ ایران کمبریج، جلد ۴، ۴، ۱۳۹۳، ص ۲۶۵). خلاصه آنکه نحوه ورود اسلام به ایران و گسترش آن نشان دهنده وجود زمینه‌های مشترک بین روحیه و خلیقات فرهنگی ایرانیان و دینداری آنان در طول تاریخ داشته است. پذیرش اسلام در ایران را نیز باید در همین زمینه و سازگاری اسلام با وجود هویت دینی پرسابقه در ایران تحلیل کرد.

۳-۳- تشیع ایران در اسلام

از زمان حمله اعراب مسلمان به ایران تا سال‌های آغازین قرن دهم هجری، بجز یک دوره چند ده ساله، دین رسمی ایران و مذهب رسمی سنی بود. اما چند رویداد مهم در این مقطع تاریخی نشان‌دهنده قوت و شدت حضور دین (در انواع مختلف) در سرزمین ایران بوده است. ابتدا باید به جنبش‌های مذهبی مانند ابن مقفع که خصلتی مذهبی داشتند و از مفاهیم مذهبی پیش از اسلام مانند مانویت، مزدک‌گرایی و اسلام استفاده می‌کرد، اشاره کرد (ثلاثی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۴).

نکته دوم آنکه ایرانیان که به دلایل فرهنگی و تاریخی به صلاحیت‌های خانوادگی و اصالت خاندانی اهمیت می‌دادند در همان صدر اسلام پشتیبان سرسخت خلافت امام علی (علیه السلام) شدند و حتی آل عباس نیز با انتساب خود به خاندان پیامبر در بین ایرانیان نفوذ کرده و از همکاری و همراهی ابومسلم خراسانی بهره‌مند شدند. به هر حال ایرانیان به خاطر ارادت به خاندان پیامبر و دلبستگی به اصالت‌های خاندانی که ریشه در گذشته پیش از اسلام آنها داشت به شیعه گرویدند (همان: ص ۲۶۸). این تغییر مذهب ایرانیان و گرایش آنها به تشیع عباسی و سپس علوی (از میان انواع متعدد مذهب شیعه از قبیل غالی، عباسی، زیدی، اسماعیلی و فاطمی) موجب شد ایرانیان به لحاظ هویتی شخصیتی متمایز از سایر مسلمانان (مثل ترکان و عرب‌ها) پیدا کنند؛ چراکه ایران تنها سرزمین شیعه مذهب دوازده امامی شد. در حقیقت تشیع علوی بعد از حمله مغولان فرصت یافت که بدون هراس از تعقیب و آزار خلیفه‌های عباسی و شاهان ترک‌نژاد حامی دستگاه خلافت در میان ایرانیان ظاهر شود.

۴-۱- ایران معاصر زمینه عوامل و تکوین و احیا هویت دین

۴-۱- نهضت‌های اجتماعی متکی بر دین

جنبش‌های اجتماعی مهم در ایران معاصر علاوه بر اینکه یکی از نمادها و نشانه‌های مهم حضور دین در جامعه ایران است به خودی خود دامنه تأثیرگذاری دین را نیز توسعه و تعمیق بخشیده‌اند و در این جا بر بعد دوم آن، به ویژه دین تأکید می‌شود. به عبارتی تمرکز بحث بر روی این نکته است که جایگاه دین در این نهضت‌ها چه بوده و چگونه در توسعه و گسترش هویت دینی نقش داشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین نهضت‌های اجتماعی متکی بر دین "نهضت تنباکو" بوده است که در تعارض هویت دینی (اسلامی) با هویت ضد دینی یا استعمار پدید آمد. در این جریان موضع‌گیری



مرجعیت دینی و استقبال مردم از حکم میرزای شیرازی بیانگر وجود زنده هویت اسلامی در جامعه عهد ناصری است و این هویت در موضوع قرارداد رژی رست تبلور یافت، تا چهره‌ای از خود در مقابل هویت‌های غیردینی نشان دهد. مصداق غیریت در این نهضت (هویت غیردینی یا هویت رقیب) دولت مسیحی انگلستان که از قرارداد رژی پشتیبانی می‌کرد از یک سو و فعالیت‌های تبشیری، تأسیس کلیساها و تبلیغ دیانت مسیح بود که این نیز توسط کمپانی رژی دنبال می‌شد. این شرایط موجب پررنگ شدن نقش مراجع، مجتهدان و مقلدان و جلب نظر تجار، کسبه و روشنفکران و حتی دول خارجی مثل روسیه به موضوع هویت دینی و نقش مراجع دینی و فتاوی‌ای علما شیعه شد (منصورنژاد، ۱۳۸۵، ص ۱۵).

دومین نهضت مهم که علما و مذهب‌یون نقش بسیار برجسته‌ای در کنار روشنفکران و غیروحانیون داشته‌اند "نهضت مشروطه" است که علمایی مثل شیخ فضل‌الله نوری، بهبهانی و طباطبایی (علی رغم داشتن رویکردهای مختلف) در آن به طور مستقیم نقش داشته‌اند و علمای نجف مثل آخوند ملاکاظم خراسانی، حاجی عبدالله مازندرانی و حاج میرزا حسین تهرانی در آن پشتیبانی کردند (همان: ۹۶، به نقل از کسروی، ۱۳۶۹، ص ۲۸۶). نقش علما و مذهب‌یون در تمامی حرکت‌های مشروطه طلبانه از جمله تحصن قابل توجه بوده است.

جریان سوم، "نهضت ملی نفت" بوده که جوهره اصلی آن نیز دارای مایه‌های دینی-اسلامی بوده و یکی از رهبران آن آیت الله کاشانی بود. آیت الله کاشانی در کنار دکتر محمد مصدق ضمن موضع‌گیری شفاف علیه انگلستان از مفاهیم مذهبی مثل جهاد، احکام دینی و دولت کافر انگلستان مکرر بهره می‌گرفت. او به ویژه دغدغه دفاع از هویت دینی، نفی سیطره بیگانگان و دفاع از حقوق مسلمانان را داشت (همان: ۱۰۵).

"نهضت ۱۵ خرداد ۴۲" که در آن هویت دینی-اسلامی و شیعی برجسته بود و نسبت به استثمار داخلی، استعمار، صهیونیسم و بهائیت موضع‌گیری می‌کرد اما خود نقش مهمی در تقویت هویت مذهبی عموم مردم داشت. چنانچه می‌بینیم بعد از آن سیر حرکت روشنفکران و عموم مردم به سمت مذهب و هویت دینی تقویت شد و به سرعت در سال ۱۳۵۷ منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد. نقش رهبری مذهبی و مشخصاً حضرت امام خمینی (ره) در ایجاد نهضت با نام و راهنمایی اسلام غیرقابل انکار می‌باشد. در ۱۵ خرداد هویت‌های مثل هویت ضد دینی (شوروی) هویت‌های غیردینی، هویت‌های درون مذهبی (مثل حجتیه) نقش «غیر» و دیگری را ایفا می‌کردند.

اما پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ یکی از برجسته‌ترین نهضت‌های اجتماعی در ایران معاصر بود که دارای محتوا و ماهیت و جهت‌گیری و رهبری دینی بود. انقلاب اسلامی که خود سرمنشأ خیزش‌های مذهبی در میان دین‌داران به ویژه در جهان اسلام شد و مبدأ شکل‌گیری مجدد و احیا هویت مذهبی در ایران شد؛ چراکه منجر به شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی مبتنی بر دین اسلام و مذهب شیعه شد و از آن پس دولت دینی به عنوان یک نهاد سیاسی و از موضع قدرت به باز تولید و احیا هویت دینی ایرانیان همت گماشت. از دیگر جریانات سیاسی مهم که در تقویت هویت دینی و بازگشت مجدد دین در حیات اجتماعی ایران مؤثر بود باید به جنگ تحمیلی هشت ساله اشاره کرد. جنگ تحمیلی و شرایط خاص روانی-فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی موجب شد تا رهبران انقلاب، نخبگان، روشنفکران و مردم به عناصر مذهبی برای دفاع از کشور روی آورند که احیا مفاهیم مذهبی مثل عاشورا و کربلا، اوج این فرایند را نشان می‌دهد.

۲-۴- نقش دین در هویت فردی انسان

علم و فن‌آوری و بهره‌های مادی آن از ارضای نیازهای فطری و معنوی انسان عاجزند، همین امر سبب روی آوردن بسیاری به دین شده است. انسان معاصر با وجود برخورداری از دانش تجربی و عقل، آن را برای هدایت اخلاقی و معنوی و پاسخگویی به نیاز فطری خود ناکافی می‌بیند از این رو جمع کثیری از نسل جدید اندیشه‌وران غربی اعتراف کرده‌اند که «ما ره گم کردگانی که در ورای خود و آرای ضعیف خود در جستجوی کانون‌های رفتاری هستیم تا اندیشه ما را به سلاح اخلاق و معنویت مجهز سازد» (ساجدی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹).

احراز هویت دینی برای افراد جامعه و به خصوص نسل جوان به منزله تقویت روحیه امیدواری و نشاط برای آینده‌ای بهتر است زیرا از جلوه‌های دین مبین اسلام، انتظار حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) است، نسلی که منتظر است در حقیقت به فردایی امیدوار می‌باشد که به مراتب بهتر از امروز است. علاوه بر این قومی که انتظار مصلحی را می‌کشند باید صالح باشند.

امام خمینی (ره) در معرفی یکی از ترفندهای جهان استکبار می‌گویند: از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر خصوصاً در دهه‌های معاصر به ویژه پس از پیروزی انقلاب، آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملت‌ها بخصوص ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است، نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی



است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۸).

معنادار شدن زندگی فردی و به یک معنا ایجاد مرز جدایی بین معناداری و هدفمندی جهان و نگرش نهیلیستی و پوچ گرایانه به آن.

ویلیام جیمز می‌گوید: قیافه دنیا در نظر مردم با ایمان فرق می‌کند. مردم مذهبی به طور کلی قبول دارند که هر واقعه و امری که به زندگی آنها ارتباط دارد به نظرشان انعکاسی از مشیت الهی است و این مشیت الهی که از نظرها پنهان بوده در نمازها و دعاها به شدت مشهود می‌باشد. اگر نیرویی برای تحمل پیشامدها لازم باشد، در اثر دعا و نماز به دست می‌آید (جیمز، ۱۳۷۲، ص ۱۶۸).

در حقیقت باید اذعان کرد که پیوند انسان و دین در عالی‌ترین تجلی آن، موجب احساس همدلی و یگانگی با جهان هستی می‌شود.

۳-۴- ظهور روشنفکران دینی در ایران

عملکرد جریان‌های غرب‌گرا و به ویژه حکومت پهلوی موجب رشد جریان‌های جدید فکری در ایران شد که ضمن نقد مدرنیته غربی به احیا و باز تولید هویت دینی در سطح اندیشگی و نیز در سطح عمومی (اجتماعی) یاری رساندند. اشاره به این نکته در اینجا لازم است که این جریانات فکری جدید تا حدی تحت تأثیر اندیشه‌های مدرن اسلامی در کشورهای اسلامی دیگر بوده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها سیدجمال الدین اسدآبادی، سر سید احمد خان هندی، حسن البنا و ابوالعلا مودودی می‌باشند (پدرام، ۱۳۸۲: ص ۵۱-۵۸).

از شخصیت‌های برجسته مؤثر در احیا هویت دینی در ایران باید به محمد نخشب که نهضت خداپرستان سوسیالیست را بنیان گذاشته و دارای گرایشات مذهبی و سوسیالیستی به صورت توأمان بوده است، اشاره کرد (پدرام، همان: ص ۶۴). مسعود پدرام مجموعه جریانات فکری مذهبی را به چند دسته زیر تقسیم کرده است:

۱- معتقدین به اسلام سنتی (مانند جلال آل احمد) که کانون بحث آنها غرب‌زدگی بوده است و نیز کسانی که به چالش فلسفی با مدرنیته (مثل فروید و داوری اردکانی) پرداخته‌اند. اینان بر «دگربردگی» غرب و درهم تنیدگی غرب و مدرنیته تأکید کرده‌اند و به بازنمایی سنت مذهبی در مدرنیته پرداخته‌اند.

۲- مدرنیسم اسلامی که در رأس آن مهندس مهدی بازرگان قرار دارد و در پی ارائه الگویی مبتنی بر سازگاری اسلام با نیازهای جهان مدرن بود. وی در عین اینکه صبغه مذهبی داشت دارای گرایشات فردگرایی لیبرال هم بود (پدرام، ص ۱۲۲). علاوه بر بازرگان، دکتر عبدالکریم سروش که بر امکان سازش عقلانیت، علم غربی با مذهب و امکان فهم قبض و بسط گونه از شریعت، تحول بخشیدن به فقه و اجتهاد، آشنا کردن اسلام و مقتضیات عصر بر مبنای کلام جدید، کثرت‌گرایی سیاسی در حکومت دینی و حکومت دموکراتیک دینی معتقد می‌باشد، نیز بر اهمیت اسلام در هویت ایرانی تأکید داشت (پورسعید، ۱۳۸۳، ص ۹۳).

۳- اسلام انتقادی که در ادامه افکار شیخ فضل‌الله نوری، فداییان اسلام در اینجا قرار می‌گیرد و اوج آن در اندیشه امام خمینی (ره) و دکتر شریعتی بوده است. از نظر شریعتی اسلام به عنوان یک ایدئولوژی اجتماعی و سیاسی که در پرتو نیازهای نوین باید در معرض باز تفسیر قرار گیرد. وی بدنبال طرح مدلی از همزیستی مذهب و علم، تفسیر معنوی جهان، جهان‌بینی توحیدی، امامت و وصایت و روحانیت مرفقی بوده است. او به دنبال یک برنامه فرهنگی و ایدئولوژی برای تقویت هویت اسلامی-ایرانی و بازگشت به خویش‌نشدن (مذهبی) بود. (پدرام، ۱۳۸۲، فصول سوم تا پنجم).

از نظر شریعتی هویت انسان در اسلام در قالب حرکت، تکامل، رشد دائمی می‌باشد. او ابعاد منفی هویت دینی را استعمار و بعد اثباتی یا ایجابی آن را بازگشت به خویش‌نشدن و اسلام اصیل و بدور از زنگار و انحراف می‌داند. او تأکید ویژه‌ای بر اسطوره‌های مذهبی مثل امام علی (ع)، امام حسین (ع) داشت (صالحی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸). در همین دسته استاد مطهری هویت جمعی را در چارچوب جامعه و امت اسلامی جستجو می‌کند. به نظر او دین و مذهب مهم‌ترین عنصر هویت ایرانی تلقی می‌شود.

رهیافت مطهری برای تبیین عنصر دین دو پایه دارد. از یک سو به تبیین دیدگاه اسلام براساس مبانی قرآنی در پدیده ملت و ملیت می‌پردازد و از سوی دیگر با نگرش تاریخی توجه ایرانیان بر اسلام و نقشی را که اسلام در خودیابی ایرانیان داشته، برجسته می‌سازد. بنابراین وی برای بررسی ماهیت هویت ایرانی به قرن‌ها پیش، یعنی ورود اسلام به ایران توجه کرده و هویت ملی ایرانی را در ارتباط مستقیم با مسلمان شدن ایرانی‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد (صاحبی، ۱۳۸۴، ص ۲۴). از پایه اول که بگذریم از نظر مطهری، ورود اسلام باعث شد تا تشنه عقاید مذهبی در ایران از بین برود و وحدت دینی-عقیدتی در ایرانیان حاصل آید. در واقع اسلام منشأ



خدمات مهمی بر ایران شده است. چون مسائل جامعه ایران عهد ساسانی که علی رغم سوابق تمدنی بزرگ دچار بحران شده بود را از بین برد و هویت جدیدی را به ارمغان آورد. به عقیده مطهری عامل اساسی هویت‌یابی ایرانیان، گرایش به اسلام و تشیع است که ناشی از خسته شدن مردم از حکومت ساسانیان، عدم کارایی زرتشت و ادیان آن روز و جاذبه‌های معنوی و عظمت واقعی اسلام بود. اسلام در حقیقت با خصوصیات روحی و اخلاقی و گم گشته خود را در اسلام یافت. مردم ایران بیش از هر چیز به روح و معنی اسلام توجه کرده‌اند و به همین دلیل بر خاندان رسالت تشیع گردیدند. این روح واقعی اخلاق و عدالت محوری ایرانیان بوده است (همان: ۸۴). خلاصه کلام آنکه شهید مطهری پایه هویت ایرانی را دین می‌داند که در مقطع قبل و بعد از اسلام نقش مؤثری در هویت ایرانی داشته است.

۴-۴- تأثیر امام (ره) در احیا هویت دینی

به جرأت می‌توان گفت: مهم‌ترین نقش (در میان نخبگان و روشنفکران مذهبی) که برای احیا هویت مذهبی در ایران معاصر به عهده حضرت امام خمینی (ره) بوده است. مفهوم هویت فردی در اندیشه امام به «بندگی خدا» مرتبط می‌شود (صالحی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵). ایشان در سطح جمعی نیز سعی کرده با معرفی اسلام واقعی در قالب اسلام سیاسی، هویت ملی را در ذیل آن تعریف کند و در سطح عالی تر ملل مسلمان را حول محور هویت دینی-اسلامی وحدت بخشید.

امام خمینی (ره) نیز بارها در سخنرانی‌هایشان وحدت عامه مردم را مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران بیان می‌کردند و می‌گفتند: روی موازین عادی، باید با یک یورش، ما از بین رفته باشیم، لکن قدرت ایمان پشتیبانی خدای تبارک و تعالی، اتکال به ولی عصر (س) شما را پیروز کرد. برادران من از یاد نبرید این رمز پیروزی را، این وحدت کلمه‌ای که در تمام اقشار ایران پیدا شد، معجزه بود. کسی نمی‌تواند این را ایجاد کند. این معجزه، وحی و امر الهی بود، کار بشر نبود؛ رمز پیروزی شما اول ایمان ثابت و بعد وحدت کلمه، این دو مطلب را حفظ کنید (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۸).

بیشتر جامعه‌شناسان نیز نقش دین را در افزایش اعتماد اجتماعی مهم تلقی کرده و این امر را خاص جوامع سنتی ندانسته‌اند، بلکه در جوامع مدرن هم دین خصوصاً با تشکل انجمن‌های داوطلبانه نقش بارزی در افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی داشته است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۸، ص ۱۴).

امام خمینی (ره) تأکید اصلی خود را بر نظریه «بازگشت به خویش» گذاشت که منظور از آن اسلام است. او هویت اسلامی را در مقابل ابرقدرت و غرب گذاشته و برای استقلال تأکید داشت. وی، البته بین غرب‌زدگی و استقبال از دستاوردهای بشری مثبت تمدن جدید تفاوت گذاشت (همان، ص ۱۱۸) برای مثال دیدگاه امام (ره) درباره سینما یا شطرنج و ارتباطات سیاسی با سایر دول غیرمسلمان در اینجا قابل ذکر است. او انسان ایرانی را مسلمان معتقد به حکومت اسلامی معرفی کرده و در قالب جمهوری اسلامی دیدگاه خود را عملی کرد. در پیوند با اسلام سیاسی، تعمیق دیانت و سیاست در جامعه مطلوب امام خمینی (ره)، بعد مهمی از هویت ملی ایرانیان مسلمان را تشکیل می‌دهد. به هر حال مقوله اسلام از نظر امام، اساسی‌ترین مؤلفه شکل‌دهی به هویت ایرانی تلقی می‌شود هرچند او منکر اهمیت هویت ملی (ملیت) و هویت‌های مادون ملی نبود. به نظر ایشان بازگشت به هویت و فرهنگ دین راه حل مشکل عقب ماندگی، انحطاط، خودباختگی و غرب‌زدگی است (خلیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۵). در واقع صورت‌بندی گفتمانی هویت دینی در اندیشه امام دارای تحولاتی بوده است که می‌توان آن را در چند شکل زیر خلاصه کرد:

۱- پیوند خویش‌شناسی فردی- اجتماعی و ایفای نقش رهبری فکری (در آثاری همچون ولایت فقیه، مصباح الهدایه، شرح دعای سحر، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس) و طرح اندیشه حکیم- حاکم و نهایتاً مضامین مطرح در کشف الاسرار.

۲- رویارویی غرب‌زدگی و بازگشت به خویش‌شناسی و ایفای نقش رهبری سیاسی که مشخصاً از ۱۵ خرداد به اوج رسید.

۳- تفسیر مکتبی از اسلام و تعبیر ایدئولوژیک از دین در راستای مبارزه با غرب و غرب‌زدگی و طرح اسلام به عنوان دین جامع و کامل.

۴- رویارویی حکومت اسلامی (هویت دینی) با حکومت پهلوی (هویت غربی) (خلیلی، ۱۳۸۵، ص ۱۸-۲۳).

۵-۴- هویت مذهب و انقلاب اسلامی

به نظر فرد هالیدی، وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به دلیل حضور گروه توده‌های میلیونی آن، در تمام قرن بیستم منحصر به فرد بوده است (فرد هالیدی، ۱۳۸۰، ص ۹۵). انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه خود نشانه‌ای از زنده بودن هویت دینی ایرانیان داشت موجب تقویت و



انسجام هویت دینی در ایران شد. شعارها و تاکتیک‌های انتخاب شده در جریان انقلاب ماهیت مذهبی داشت، رهبری و نمادهای انقلابی، نقش مهم تکایا و مساجد و روحانیت همگی حاکی از اهمیت مذهب در انقلاب اسلامی داشت (لژ، ۱۳۸۰، ص ۲۰ و ۲۱).

اساساً ایدئولوژی و رهبری انقلاب از اسلام الهام گرفته شده بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۶۵۳). با پیروزی انقلاب اسلامی تغییرات بنیادی در زمینه کنترل نهادهای مذهبی، قانون و خانواده، مقررات و قوانین مقررات و قوانین رایج در دستگاه قضایی، نظام آموزش به وجود آمد (همان، ص ۶۷۴) و دولت‌های پس از انقلاب به سرعت دست به کار باز گرداندن مذهب به صحنه نهادی جامعه شدند. پروژه «اسلامی کردن» جامعه تغییرات چشمگیری در ساختار سیاسی حقوقی، فرهنگی و تا حدی اقتصادی به وجود آورد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۲).

۵- نتیجه‌گیری

دین علی‌الاصول در باب اجزاء و عناصر هویت در طیف وسیع آن موضع تایید و پذیرش دارد. منابع دینی پاره‌ای از هویت‌های فردی، صنفی، گروهی، خانوادگی، ملی، تمدنی، اجتماعی، فرهنگی و مانند این‌ها را هیچ‌گاه نفی نکرده و نخواسته است که از روان آدمی زدوده شود، بلکه برخی از آن‌ها مورد تاکید و تقویت هم قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نقش دین هم در عرصه هویت فردی و هم در حوزه هویت اجتماعی انسان نقشی پررنگ و تاثیرگذار بوده است.

دین بر شکوفاسازی و مزیت‌بخشی و ارجحیت‌گذاری هویت فطری، معنوی و اخلاقی اصرار ورزیده است. ادیان این توصیه را برای بشر به ارمغان آورده‌اند که متعالی‌ترین عنصر هویت و شخصیت عبارت است از سرشت معنوی آدمی و آن را در مقایسه با سایر اجزای هویت باید بر صدر نشانند. همچنین دین بر تنظیم، متعادل‌سازی و اصلاح دیگر عناصر در احساس هویت و بازداري از افراط در احساس هویت صنفی، گروهی، خانوادگی، ملی، نژادی و مانند آن تاکید تام می‌ورزد و همواره متذکر می‌شود تا از دام افراط و تعصب‌های جاهلانه نژادی، ملی و همانند آن پرهیزد.

احراز هویت دینی برای انسان به منزله تقویت روح امیدواری و نشاط برای آینده‌ای بهتر است. همچنین هویت دینی می‌تواند به زندگی فرد و اجتماع جهت دهد و یک زندگی هدفمند و خدا محور را برای او ترسیم کند نه زندگی انسان محور و ماشینی. دین‌داری که منجر به افزایش مقبولیت اجتماعی و رعایت اخلاقیات شود موجب تأثیر اعتماد بیشتر می‌شود و تأکید بزرگان دین

در رعایت اخلاقیات و مردم‌داری نیز همین نتیجه را تأیید می‌کند. بنابراین در آموزش‌های دینی باید از محتوای احکام دینی غافل نشد، در آن صورت شاهد سرزندگی و شادابی و اعتماد متقابل در روابط اجتماعی جامعه خواهیم بود و در این شرایط مسیر توسعه انسانی و توسعه علمی هموارتر خواهد شد.



فهرست منابع

- اران. فرای (۱۳۹۳). **تاریخ ایران کمبریج: طاهریان و صفاریان - سامانیان - غزنویان - بوئیان (جلد ۴)**. مترجم تیمور قادری. ناشر مهتاب. ص ۱۶۵.
- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷). **ایران بین دو انقلاب**، احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- بکائی، حسین (۱۳۸۵). **ایرانیان وادیان**، اعتماد ملی، یکشنبه شماره ۱۲، ۱۳۸۵/۹/۲۴۴.
- پدرام، مسعود (۱۳۸۲). **روشنفکران دینی و مدرنیته پس از انقلاب**، تهران: گام نو.
- پورسعید، فرزاد. و شاپوری، مهدی (۱۳۸۳). **دولت ترامپ و شوروی سازی جمهوری اسلامی ایران**. چرایی و چگونگی، فصلنامه مطالعات راهبردی. ۲۱(۳). ۵۳-۱۰۱.
- ثلاثی، محسن (۱۳۸۰). **جهانی ایرانی و ایران جهانی**، تهران: نشر مرکز.
- جعفری تبریزی، محمد تقی (۱۳۷۸). **بن بست امروزی بشر و گردآوری، تنظیم و تلخیص محمد رضا جوادی**. تهران: پیام آزادی. ۱۴.
- جیمز، ویلیام (۱۳۷۲). **دین و روان**. ترجمه مهدی قائنی. تهران: سهامی انتشار. ۱۶۸.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۵). **تکوین تعاملی دین و هویت در اندیشه امام خمینی (ره)**؛ از صورت بندی گفتمانی تا تحول انقلابی. **مطالعات ملی**، ۷(۲۶)، ۳-۲۶. SID. <https://sid.ir/paper/۸۹۰۳۱/fa>
- خلیلی، رضا (۱۳۸۵). **تکوین تعاملی دین و هویت در اندیشه امام خمینی (رحمه الله)**، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ (شماره ۲۶).
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). **حدیث ماندگاری: شرحی بر وصیت نامه سیاسی - الهی حضرت امام خمینی قدس سره**، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه.
- رهبری، مهدی (۱۳۸۹). **جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی ایران**، انتشارات دانشگاه مازندران، ص ۱۲۵-۱۴۸.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی در دوران معاصر**- ترجمه محسن ثلاثی. انتشارات علمی تهران. چاپ اول. ص ۱۳۴-۱۵۸.
- ساجدی، ابولفضل (۱۳۷۸). **دین و دنیای مدرن**، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- صاحبی، محمدجواد (۱۳۸۴). **مجموعه مقالات مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران**، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۲۴.
- صالحی، محمدعلی (۱۳۸۵). **انقلاب اسلامی و مقوله هویت**، ترجمه منصورنژاد، محمد. ۱۱۵.
- عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۴.
- فرد هالیدی (۱۳۸۰). **دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران**، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر، ص ۹۵.
- کاظمی‌پور، عبدالمحمد (۱۳۸۲). **باورها و رفتارهای مذهبی در ایران**. (۱۳۷۹-۱۳۵۳)، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). **جهانی‌شدن - فرهنگ-هویت**، تهران: نشر نی.
- لژه، دانیل هرویو (۱۳۸۰). **انتقال و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی - دینی در مدرنیته**، سید محمود نجاتی حسینی، نامه پژوهش ۵ (و ۲۱ و ۲۰)، تابستان.
- معین، محمد، **فرهنگ معین**، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۸.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۵). **دین و هویت**، تهران، انتشارات تمدن ایرانی. ۱۵.
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۷۴). **آیین انقلاب اسلامی**، تهران، مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ دوم.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳). **هویت ملی در ایران**، تهران، موسسه مطالعات ملی - تمدن ایرانی. ۱۷۱.
- میرمحمدی، داود (۱۳۷۳). **مطالعه و بررسی مولفه‌های بارز هویت فرهنگی و قومی مردم بلوچ و نسبت و رابطه آن با هویت فرهنگ ملی** (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

The formation of interactive development of religion and identity in the thought of Muslim thinkers, especially Imam Seyed Ahmad Hosseini, Abbas Salehi Najafabadi, Alireza Rezaei

Abstract

The discourse approach explains the relationship between religion and identity in the thought of Imam Khomeini better than other approaches; while this feature has been less discussed. According to the mentioned capability, the purpose of this research is to use the discourse approach to explain relationship between religion and identity in the thought of Imam Khomeini. this purpose, in order to carry out this research, he examined the foundations and components of the discourse approach - with a critical view of general insights regarding the humanities and social sciences - through the examination of various sources, and then the relationship between religion and identity in the thought of Imam Khomeini based on It examines intra- and inter-discourse relationships. The results of this research showed that the development of the thought of Imam was the result of the interaction of identity and religion in discourse of returning to oneself and in confronting the Western discourse. Imam Khomeini was able to bring about the revolution and the Islamic Republic with his practical and intellectual role-playing through the discourse of returning to oneself and also the political-social confrontation with the Western-oriented Pahlavi government in the formation of the discourse of returning to oneself.

Key words: discourse, westernization, return to oneself, Imam Khomeini, religion, identity

